

بخشی از کتاب
فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز

همراه با نمونه‌های متعدد برای مدخل‌ها

محمدرضا اصلانی (همدان)



انتشارات کاروان
www.caravan.ir



انتشارات کاروان
فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز
محمدرضا اصلانی (همدان)
(مرجع)

Terminology of Satire
Mohammad-Reza Aslani (Hamedân)

چاپ اول ۱۳۸۵
صفحه‌آرایی سارا محسن پور
طراح جلد آنلیه کاروان
لیتوگرافی موعود
چاپ وطن‌آرا
۱۵۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

ISBN : 964-8497-28-1

مرکز پخش: کاروان - ۸۸۰۰۷۴۲۱
تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴۵-۱۸۶

email: info@caravan.ir
website: www.caravan.ir

اصلانی، محمدرضا، ۱۳۴۷-
فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز (همراه با
نمونه‌های متعدد برای مدخل‌ها) / محمدرضا اصلانی
(همدان). -- تهران: کاروان، ۱۳۸۵.
۲۸۰ ص.

ISBN: 964-8497-28-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص ۲۶۷-۲۶۸.

۱. طنز -- اصطلاح‌ها و تعبیرها. ۲. طنز --
واژه‌نامه‌ها -- فارسی. ۳. فارسی -- واژه‌نامه‌ها --
انگلیسی. الف. عنوان.
۴ف۶الف / PN۶۱۵۱ ۸۰۸/۸۷۰۰۱۴
کتابخانه ملی ایران ۷۹۹۳-۸۴ م

آیرون Eiron

معادل دیگر: خودبازدارنده

رنسانس، پادوی توطئه چین و در نمایش های اسپانیایی گراسیوسو (Gracioso) بود. نورتروپ فرای در تحلیل نقد می گوید که در برخی موارد قهرمان نمایش خود آیرون شمایل است، زیرا نمایش نامه نویس می خواهد با خفیف سازی او را شکل نیافته و از نظر خصلت درونی ختنی سازد. آیرون دیگری که توجه چندانی به او نشده، مرد بزرگسالی است که از سیر حوادث کناره گیری می کند و وقتی برمی گردد که نمایش به پایان می رسد. این شخصیت اغلب پدری است که می خواهد ببیند پسرش چه کار می کند. در هر کس سر خلق خویش، اثر بن جانسن، نوول سینور سیر وقایع را به همین شیوه پیش می برد. در کیمیاگر بن جانسن، لاوویت (lovewit) که مالک خانه است، با غیبت و بازگشت خود همین نقش را اجرا می کند. در کمدی چشم در برابر چشم اثر ویلیام شکسپیر، دوک نمونه ای از آیرون است.

آیرون یکی از سه شخصیت قراردادی کمدی های قدیم یونان است که در تقابل با آلازون قرار می گیرد. self-deprecator معادل انگلیسی آیرون است. آیرون زیرک و آب زیرکاه است. ولی در ادبیات غرب آیرون به دلیل تظاهر به حماقت و آسیب پذیری، وجه تسمیه ی اصطلاح ادبی آیرونی قرار گرفته است. در کمدی های قدیم یونان صحنه هایی وجود دارد که یکی از شخصیت ها با خود گفت وگو می کند و شخصیتی دیگر، رو به تماشاچیان درباره ی او حرف های کنایه دار می زند. این گونه صحنه ها تقابل آیرون و آلازون را نشان می دهد و موجب همدلی تماشاچیان با آیرون می شود. توطئه چینی که سبب پیروزی قهرمان می شود از دیگر آیرون های مهم است. این نوع آیرون، در کمدی های قدیم روم، برده ای ترفند باز (Dolosus Servus)، در کمدی های دوره ی

آیرونی ← وارونه سازی اثبات با نفی ← تخفیف

احمدآ Ahmadâ

خواججه هدایت الله رازی متخلص به هدایت، میرزا سیمای مشهدی و یغمای جندقی جزو شاعران احمدآ سرا بودند. گویند میرزا سیمای در یک ساعت هزار بیت احمدآ سرود. سید اشرف الدین قزوینی (حسینی) به دلیل نقش مهمش در دوران مشروطیت، مشهورترین احمدآسرای ادبیات طنز در ایران است.

در اصطلاح ادبی، احمدآ شعرهای طنزآمیز قافیه دار متوسطی است که زبانی ساده، شیرین و مردم پسند دارد. در دوران صفویه و قاجاریه هدف از سرودن شعرهای احمدآ بیش تر تفریح و وقت گذرانی بود. در دوران مشروطیت این نوع شعر با کارکرد سیاسی - اجتماعی در نشریات رواج بسیار یافت. میرزا دلشاد معروف به ملوک معارف قمی،

او روزنامه‌ی ادبی فکاهی نسیم شمال را منتشر می‌کرد. نسیم شمال نه ماه پیش از به توپ بستن مجلس، در رشت شروع به انتشار یافت و بعد در تهران به فعالیت ادامه داد. نسیم شمال در مطبعه‌ی کلیمیان، چاپخانه‌ی کوچکی در تهران، در چهار صفحه، به اندازه کاغذهای یک ورقی امروز چاپ می‌شد و با قیمتی اندک به دست روزنامه‌فروشان دوره‌گرد سپرده می‌شد. پس از مدت کوتاهی محبوبیت نشریه‌ی نسیم شمال به حدی زیاد شد که سید اشرف‌الدین قزوینی را آق‌سای نسیم شمال می‌نامیدند. تعداد بیت شعرهایی که در نسیم شمال نوشته شد به بیش از بیست هزار رسید و تعدادی از آن‌ها بارها، در تهران و بمبئی با نام باغ بهشت منتشر شد.

البته درباره‌ی شعرهای سید اشرف‌الدین قزوینی واقعیت این است که همه‌ی شعرها زاده‌ی ذهن او نبود و تعدادی از آن‌ها اقتباس یا ترجمه‌ی آزادی بود از شعرهای میرزا علی‌اکبر طاهرزاده صابر، شاعر ملی آذربایجان قفقاز و همکار دائمی روزنامه‌ی ملانصرالدین. به همین

دلیل ملک‌الشعرای بهار، در ضمن نامه‌ی منظومش به صادق سرمد، با وجود تأیید احمدای سید اشرف، به او نسبت انتقال داد. در این شعر منظور از هوپ‌هوپ‌نامه مجموعه شعرهای طنز صابر در روزنامه‌ی ملانصرالدین یا دیگر روزنامه‌های قفقاز است. این شعرها بارها در آذربایجان شوروی سابق و آذربایجان ایران به زبان‌های متعدد با نام هوپ‌هوپ‌نامه (یعنی هدیه‌نامه) به چاپ رسید.

احمدای سید اشرف خوب بود
احمدآگفتن از او مطلوب بود
شیوه‌اش مرغوب بود
سبک اشرف تازه بود و بی‌بدل
لیک هپ‌هوپ‌نامه بودش در بغل
بود شعرش منتحل

سید اشرف‌الدین قزوینی، شاعر مشروطه‌خواه، مردمی و بیگوت‌ترین سراینده‌ی احمدای، در اواخر عمر به جرم دیوانگی به تیمارستان شهر نو تبعید شد و همان‌جا در گمنامی، زندگی سراسر فقر و محنتش را وداع گفت.



احمدای

تهدید

سید اشرف‌الدین قزوینی (نسیم شمال)

آهای آهای نسیم شمال! مثال شیر ارژنه
گاه زنی به میسره، گاه زنی به میمنه

زلزله‌ها فکنده به کوه و دشت و دامنه
آهسته بیا آهسته برو که گربه ساخت نزنه

اول بگو برای من تو کیستی چه کارهای
مقابل سخنوران تو طفل شیرخوارهای
به پیش آفتاب و مه تو کم‌تر از ستاره‌های

آی بارک‌الله مرحبا به این قیافه و ننه
آهسته بیا، آهسته برو که گربه ساخت نزنه

نسیم شمال خودتو بیا این جا رو طهر و نش میگن

این جا که مانده‌ایم دروازه شمرو نش می‌گن
هیچ نمی ترسی مگر ز دزدهای گردنه
یواش بیا یواش برو که گربه شاخه نزنه
ز زار عین رنجبر بازم حمایت می کنی
ز ظالمان مفتخور بازم شکایت می کنی
ز عهد شاه و زوزک بازم حکایت می کنی
طعنه زنی ز شعر خود به صاحبان طنطنه
یواش بیا یواش برو که گربه شاخه نزنه
نسیم شمال ز شعر تو تمام تعریف می کنن
از زن و مرد مملکت ز ذوق توصیف می کنن
خیلی حرارت منما نسیم توقیف می کنن
بهر حرارت بخور آب انار و هندونه
آهسته بیا آهسته برو که گربه شاخه نزنه
گدای لات و لوت و پواقال و مقالش را ببین
تحفه ز رشت آمده نسیم شمالش را ببین
حامی دختران شده فکر و خیالش را ببین
مژده‌ی علم می دهد بر ورقات موقته
آهسته بیا آهسته برو که گربه شاخه نزنه
درس چه علوم چه مکتب دخترانه چه
این کره‌ی زمین بُود به شکل هندوانه چه
میان روزنامه این گفتگوی ز نانه چه
پر است روزنامه‌ات ز قول خاله و ننه
آهسته بیا آهسته برو که گربه شاخه نزنه
گاه ز قول گاو و خر نقل مقاله می کنی
باین حواله می کنی به آن قباله می کنی
مگر که عاشق شده‌ای باز به آن پیرزنه
آهسته بیا آهسته برو که گربه شاخه نزنه
نسیم شمال بهر وطن غصه مخور تمام می شی
جون سببیلات قسمه رسوای خاص و عام می شی
کس نرسد به داد تو حبس بلا کوم می شی
وای به حال زار تو از غم و فقر و مسکنه
همچو بیا همچو برو که گربه شاخه نزنه
مطالب نسیم را تمام تفسیر می کنن
منکر غول و جن مشو و گرنه تکفیر می کنن
یقین بدان که شیر را ز ترس زنجیر می کنن
برو به کنج مدرسه بخور تونان و اشکنه

آهسته بیا آهسته برو که گریه ساخت نزنه
نسیم شمال! بگو ببینم هیچ خبر صحیح داری
ز فتح روس و آلمان تلگراف صحیح داری
ز نطق‌های ویلهم خطابه‌ی فصیح داری
آمریکا میل جنگ داره صدق و صحیحه یا که نه
آهسته بیا آهسته برو که گریه ساخت نزنه
برگرفته از: حسینی، اشرف‌الدین. ۱۳۳۲. باغ بهشت. تهران: موسسه‌ی مطبوعاتی امیرکبیر.

احمق (Fool) ← دلقک استعاره‌ی عنادیه ← ناسازه‌گویی

اغراق Hyperbole

معادل دیگر: گرافه

معاییر اشعار العجم می‌گوید: «اغراق در صنعت سخن آن است که در اوصاف مدح و هجا و غیر از آن غلو کنند و مبالغت نمایند و وجوه مدایح به حسب تفاوت در جات ممدوحان مختلف است و بر موجب اختلاف احوال ایشان در ارتفاع و انضاع متفاوت و از عیوب مدح یکی آن است که از طرفی [دو طرف] افراط و تفریط بیرون برند.»

اغراق در فرآیندی ذهنی تصویری می‌سازد که از تصاویر ذهنی خیال و ایماژ گسترده‌تر است. در این تصویر، صفت یا حالت مورد نظر، با تصرف در ذهن، از وضعیت عادی خارج شده، بگوتراز حالت طبیعی ظاهری شود. در مواردی از اغراق برای تأکید هم ممکن است استفاده شود. البدیع ابن معتز قدیمی‌ترین کتاب بلاغت اسلامی است که درباره‌ی اغراق بحث کرده و از آن به الافراط فی الصفة یاد می‌کند.

اغراق در ساخت طنز کارکرد فراوان دارد، اما پربسامدترین موارد کاربرد آن در شعر و حماسه است. بلاغیون درباره‌ی اغراق در شعر

معنی لغوی اغراق پر در کمان کشیدن است. Hyperbole معادل یونانی و Exaggeration معادل انگلیسی آن است. کلمه‌ی Exaggeration از ریشه‌ی لاتین Exaggerare ساخته شده است.

در لمطلاح ادبی، اغراق به توصیف، مدح یا ذم بیش از حدی گفته می‌شود که در آن مفاهیم خرد، آن قدر بگتو جلوه داده می‌شود که دیگر چندان قابل قبول نباشد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا، معنی لغوی «اغراق»، غرق کردن، غرق گردانیدن کاسه را، پر کردن جام، سخت کشیدن کمان را و به نهایت کشیدن کمان را آمده است.

علی‌اکبر دهخدا در لغت‌نامه‌اش برای این مدخل به نقل از صاحب غیاب‌الغات آورده است: «اغراق آن مبالغه را گویند که به حسب عقل ممکن باشد و به اعتبار عادت محال نماید و آنکه به عادت و عقل هر دو محال باشد آن را مبالغه غلو نامند.»

محمد شمس قیس رازی هم در المعجم فی

نظریه‌های متفاوتی داشته‌اند. برخی آن را از اجزای شعر می‌دانند و از جمله‌ی مواردی که موجب زیبایی شعر می‌شود. عده‌ای دیگر اغراق را از مظاهر دروغ‌گویی دانسته، حضور آن را در شعر بر نمی‌تابند.

دوره‌ی تئودور (Tudor Period)، دوره‌ی شاه جیمز (Jacobean period) و نوع نمایش قهرمانی (Heroic Drama) بسیار متداول بود.

در ادبیات انگلیسی، اغراق در نمایش‌های

اغراق



گودال

سید ابراهیم نبوی

خبر: «به گزارش خبرنگار ستون پنجم گودالی به عمق یک متر و ۱/۵ متر در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران باعث تصادف و مجروح شدن گروهی از عابران شد.»

صدا و سیما: بنا به گزارش واحد مرکزی خبر این اولین گودال از این نوع در خاورمیانه بوده و با وجود این گودال، تعداد گودال‌های موجود در تهران از مرز یک گودال بعداً خواهد گذشت.

اخبار اقتصادی: با این گودال به میزان دو متر مکعب در خاک کشور صرفه جویی شده و این مشقت محکمی است به دهان امپریالیزم در راستای صرفه جویی و بهینه سازی.

راه حل بهداشتی: برای جلوگیری از تصادف منجر به قتل و جرح، مقرر گردید تا چند آمبولانس به صورت شبانه‌روزی در کنار گودال مذکور توقف نمایند تا شهروندان مجروح در اسرع وقت به بیمارستان منتقل شوند.

در راستای سازندگی: پیشنهاد می‌شود به جای استفاده از آمبولانس که موجب تأخیر در رساندن بیمار می‌شود، بیمارستان تخصصی ارتوپدی ۴۰۰ تخت‌خوابی در کنار گودال احداث گردد.

پیشنهاد مصلحتی: با عنایت به این که وجود بیمارستان در وسط خیابان ممکن است موجب تصادفات و سد معبر گردد، مصلحت در این است که گودال مذکور را پر نموده و گودال دیگری در کنار یک بیمارستان احداث شود.

پیشنهاد مدنی: پیشنهاد می‌گردد ریاست محترم جمهور ضمن بازدید روزانه از گودال و عیادت از مجروحین آن، ستادی برای برگزاری کنفرانس گفتمان در راستای یافتن راه حل جهت کاهش عمق گودال برپا شود.

سیاست خارجی: مطالعه‌ی گودال‌های موجود در جهان سوم و جهان صنعتی گام تازه‌ای در گفت‌وگوی تمدن‌ها محسوب شده و می‌توان با همفکری نیروهای روشنفکر جهان و انقلابیون این گودال را پر کرد.

جناح چپ: پر کردن هر گودالی سازش با امپریالیزم است. باید مردم این قدر در گودال بیفتند تا آگاه بشوند.

جناح چپ افراطی دانشجویی اولترا آنارشیستی: هر گودال که فرو می‌رود نشانه‌ی برجی است

که برمی خیزد.

روزنامه‌ی توپخانه: حفر گودال کارانگلیسی‌ها ست.

روزنامه‌ی سید خندان: چه کسانی گودال حفر می‌کنند؟

روزنامه‌ی نوین: ایجاد گودال کار کسانی است که پیام دوم خرداد را درک نکرده‌اند.

جناح راست معمولی: پر کردن گودال نیازمند مطالعات اساسی و ارتباط با مراکز خاک‌شناسی،

زمین‌شناسی و سازمان حقوق بشر است.

برادران فرهنگی: هر گودالی نشانه‌ی نفس اماره‌ی آدمی است که توی سوراخ افتاده و نشان از

سقوط استعلای آدمی در مقابل ماشینیم.

نظریه‌ی اساسی: اگر برادران ما یک گودال دارند، دشمنان ما صدها گودال دارند.

نتیجه‌ی نهایی: گودال مذکور به قوت خود باقی بوده و احتمالاً تا میلیون‌ها سال دیگر باقی

خواهد ماند.

برگرفته از: نبوی، ابراهیم. اردیبهشت ۱۳۷۸. گودال (کتاب جشنواره ششم مطبوعات). تهران: اداره کل تبلیغات (وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی).

افیونیہ Afyuniye

معادل‌های دیگر: تریاک، وافوریه

افیونیہ به نوعی آثار منظوم یا مثنوی گفته می‌شود که به طنز یا جد در مدح یا ذم تریاک و دیگر مواد مخدر سروده و نوشته شده است. تعداد افیونیہ‌های بعد از دوره‌ی مشروطیت از قبل از مشروطیت بیش تر است.

افزایش تدریجی مصرف مواد مخدر در ایران موجب شد تذکره‌نویسان هم به اعتیاد شاعران اشاره کنند. میرزا طاهر نصرآبادی در قرن یازدهم قمری در کتابش تعدادی از شاعران و نویسندگان دوران خود را که گرفتار اعتیاد بوده‌اند معرفی می‌کند. او در مورد خودش می‌نویسد: «گاهی از حب رفیعی، دل رفیع‌مزل را از مرتبه‌ی رفعت نازل می‌ساختم». گاهی رهایی از اعتیاد به تریاک دستمایه‌ی شعری شاعر قرار می‌گرفته است. حکیم رکن‌القصیده‌سرای دوران صفوی پس از ترک اعتیادش، قصیده‌ای در ذم تریاک می‌سراید که با این بیت شروع می‌شود: «افیون که ظلمت بصر آمد ز دیدنش - عمر دوباره

یافته‌ام از بردنش».

شاه تهماسب یکم صفوی هم در یک رباعی می‌گوید:

یک‌چندی زمرده سوده شدیم

یک‌چند به یاقوت تر آلوده شدیم

آلودگی بود به هر رنگ که بود

شستیم به آب توبه آسوده شدیم

مولوی در شعرهایش، افیونی را که صوفیان به هنگام سماع می‌نوشیدند «خاموشانه» خوانده است. سعدی این نوع افیون را «بیهوشانه» نامیده است. حافظ در مطلع غزلی از افیون با عبارت «طوطی‌گویای اسرار» یاد می‌کند. حسین مسرور افیون را همان زهر می‌داند و مهدی اخوان ثالث در شعر سبز، از عبارت «ویرانی سبز عزیز من» افیون را منظور دارد.

متن وافوریه که به نظم و نثر در التفصیل

فریدون توللی آمده، ترجیع‌بند کرمانشاهی به نام
وافوریه، مثنوی‌های چرسیه و خشخاشیه اثر غیرت
کرمانشاهی، شعر جهاد اکبر از ایرج میرزا و
شعری از ملک‌الشعراى بهار در غم محروم بودن
از تریاک از نمونه‌های طنز در افیونیه است.



جهاد اکبر! ایرج میرزا

شب در بساطِ احرار از التفاتِ سردار
کُنیاک بود بسیاریا تریاک بود بی‌مر
هر کس به نشوهِ بی‌تاخت با نشوهِ کارِ خود ساخت
من هم زدم به وافور از حدِ خود فزون تر
تریاکِ مفت دیدم، هی بستم و کشیدم
غافل که صبح آن شب آید مرا چه بر سر
گشت از وفورِ وافور یُبس مزاجِ موفور
چونان که صبح ماندم در مستراح مضطر
تریاکیانِ الدنگ سازند سنده را سنگ
چون قافیهِ شود تنگ، وسعتِ فُتد به مدبّر
یک ربع مات بودم زان پس به جدّ فزودم
تا جای تو نمودم خالی من ای برادر
تا سیلِ خون نیامد سنده برون نیامد
چیزی ز کون نیامد جز پشکیلِ مَحجر

...

برگرفته از: محبوب، محمدجعفر (به اهتمام). ۱۳۵۶. تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و
نیاکان او.